

ما نیز با شما هستیم و همچون شما ها سر باز ایستادن نداریم

امیر جواهری لنگرودی

amirjavaheri@yahoo.com

۲۳ تیر ۱۳۸۸ برابر ۱۴ جولای ۲۰۰۹

"اما من حال خوبی دارم. امروز (۸ تیر) همه پرازشوروهیجان بودند از افسردگی این چند روز گذشته در مردم خبری نبود. منتظر اعلام راهپیمایی بعدی هستیم. نه ... ما سر باز ایستادن نداریم. تازه به فکر راه اندازی کمیته های محلی همبستگی علیه کودتا چیان هم افتادیم، فکر می کنی چگونه سالار؟ آیا دستور العمل دیگری هم است، یاری مان دهید!"

این بخشی از نامه جوانی است که به ایمیل ام رسیده است و این خود گواه این است که بعد از وقفه کوتاه تحرکات خیابانی قبل از هیجده تیر، چگونه رخوتی به جان فعالان جوان درون کشور افتاده بود که بعد از تظاهرات آن روز، شوروهیجان دیگری به جان آنان انداخت.

برای این روز جبهه ی متحد دانشجویی طی اطلاعیه خود تجمع تهران بزرگ و شهرها را اعلام داشته و همگان را به شرکت در آن فراخوانده بود. در برابر این فراخوان دانشجویی، مرتضی تمدن، استاندار تهران در روز هیجده تیر گفت:

"اگر افراد معدودی بخواهند با گوش دادن به فراخوان شبکه های ضد انقلاب، تحریک ضد امنیتی داشته باشند زیر

گام های مردم هوشیار ما له خواهند شد." نیروی سپاه و فرمانده هان آن نیز پیام خود را برای سرکوبی خیزش خیابانی بر زبان رانده بودند. همه چیز برای سرکوب آماده بود. در این جنگ نابرابر فرمانده نیروی انتظامی همچون استاندار تهران گفته بود مردم تظاهر کنندگان ۸ تیر را زیر پای خودشان "له" می کنند. بر پایه خبر "روزنامه گاردین"، مجتبی خامنه ای فرماندهی عملیات ۸ تیر را بعهده داشت. از همین رو مردم تهران همان شب یک پارچه در پشت بام ها با شعار "مجتبی مجتبی بمیری / رهبری تو نبینی" خشم و نفرت خود را بر کودتاگران نشان دادند. گزارشات انعکاس یافته از جانب شاهدان عینی، ویدیو کلیپ ها، عکس ها و آنچه تا حال در نوشته های فیس بوک و توئیتر آمده نشان از خشونت آشکار گارد ضد شورش، نیروی انتظامی و لباس شخصی ها و بسیج و موتورسواران بوده است. دستگیری ها و گلوله در کردن بسوی جوانان در خیابان و موج بازداشت های گسترده تنها از تهران گزارش شده است. هنوز ابعاد این جنایات به جز چند شهر از دیگر نقاط کشور نرسیده است.

سازمان عفو بین الملل نیز در همان روز هیجده تیر استفاده خشونت توسط نیروهای امنیتی ایران علیه معترضان در تهران را محکوم کرد. حبیبیه حاج صحراوی، معاون مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین الملل در این باره گفت "امروز، مقامات ایران باردیگر عدم تحمل خود نسبت به مخالفان را نشان دادند، به همان شیوه ای که به صورت تمام و کمال باقیمانده روش های بی رحمانه ای است که در سال ۱۹۹۹ استفاده کردند" وی افزود "واقعا وقت آن رسیده است که آن ها از به کار بردن روش های زور بازو برای سرکوب اعتراضات دست بکشند و به تعهدات خود تحت قانون حقوق بشر سر بنهند"

این جنگی نابرابر است که خودی های دیروز آقای عیسی سحرخیز که امروز در زندان این نظام اند، چهره خامنه ای را در حادثه بزرگ ۲۲ خرداد به اینسو و اعمال کودتای خونین رهبر فقیه را اینگونه ترسیم کرده اند: "سید علی خامنه ای چه خواهد و چه

نخواهد پس از بیست سال ولایت مطلقه و حکومت استبدادی بر ملت ایران، یا جای یای محمد رضا پهلوی گذارده است. رهبر ایران چه بخواید و چه نخواهد راه شاه را می رود و مسیر حکومت ظالمانه ی شاهان مستبد و دیکتاتورهایی را برگزیده است که مردم ایران و جهان بارها آن هارا به زیاده دان تاریخ ریخته اند. او خواسته و ناخواسته در ۳۰ خرداد ۸۸ جنایات سفاکانه ی ۱۷ شهریور ۵۷ را رقم می زند و با کشتادن پای بخش ناخرد سپاه پاسداران به جای "گارد جاویدان" شاه و گروه های چشم و گوش بسته ی بسیج به جای "چماقداران جیره خوار پهلوی" قصد به خاک و خون کشیدن هر چه بیشتر مردم حق طلب ایران را دارد. ... رهبر ایران فراموش کرده است که آنچه شاه را به شکست مفتضحانه کشتاد، آوردن ارتش به خیابان ها بود و آنچه ملت ایران را به پیروزی شگفتی ساز رساند روی آوردن به شعارهایی بود چون "برادر ارتشی، چرا برادر کشی؟" و کاری تاریخ ساز، گل نشاندن در لوله ی تفنگ نظامیان. ("تاکیدات از منبع روزنامه است)، (روزنامه انقلاب اسلامی در هجرت، شماره ۷۲۷، تیر ۸۸)

وقتی اینگونه است که خودی های دیروزی نظام تصویری کنند، حرف زیادی در برابر دیو صفتی این حکومت گران بر صفحه کاغذ نمی توان نشانند. جز تکرار وظیفه مندی ما نسبت به تاکید بر ابتکار عمل انتخاب تاکتیک ها و اتخاذ شیوه های مبارزاتی مبارزان درون کشور.

ابتکار عمل روزمره نیروهای جوان در مقابله با کودتاچیان، از سویی روحیه جنگندگی و امیدواری را در میان نیروی جوان بالا برده و هیئت پوشالی نانبان برحق امام زمان را بر زمین زده است. از سوی دیگر تجربه مبارزه یکماهه مردم و بویژه نسل جوان دختر و پسر را در کنار نسل گذشته که خود تجربه انقلاب بهمین ۵۷ بوسعت تمامیت جغرافیای ایران را با خود دارد، آنچنان به هم گره زده است که نیروی جوان در کنار آن تجربه غنی بیش از هر هنگام و با دانش و آشنایی، جوانی و پشتکار خویش در هرکوی و برزنی مقاومت مشترکی را به سامان می برند. همین جوانان دختر و پسرند که بازو در بازوی هم بغض های فروخته خود را بدل به فریاد می کنند و به سمت بسیجی ها و لباس شخصی ها و نیروی گارد ضد شورش در هر کوچه، خیابانی و میدان نبردی، یورش می برند تا آنان را از محدوده زندگی خود دور سازند. همین جوانان اند که امرشناسایی این چهره های سرکوبگر را طی هفته های گذشته به این سو سازمان داده اند و امروزه به وسیع ترین شکل در سطح سایت ها و وبلاگ ها بازتاب یافته و خود بدل به جنبش شناسایی شکنجه گران، چماق بدستان و مزد و حقوق بگیران بسیجی محلات و شهر ها شده است. همین نیروی جوان اند که مادران و پدران خود را به پشت بام ها می کشانند تا خواب شبانه را بر حکومت گران سنگین کنند. همین دختران جوان اند که روسری از سر بر می دارند و شادمانانه و با احتیاط های امنیتی در میادین محلات خود می رقصند. اگر به خیابان آمدن برای بخش زیادی از مردم که در رای گیری شرکت داشته اند با انگیزه ابطال انتخابات بعنوان عامل شرکت در تجمعات خیابانی باشد برای دختران جوان و زنان کشور ما، بیش از هر چیز، امر پاسخگویی به بغض سی ساله ای است که از جانب حکومت گران بر یکایک آنان تحمیل شده است. برای جوانان دانشجو و جوانان بیکارکشورمان، بیکاری فراتر از انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب شخص موسوی، کروی و توجه به نوعیت وجود خاتمی در کنار موسوی است. امروز جوانان ما دریافته اند که سایه سیاه حکومت گران اشغالگر را نه فقط با سنگ و تیرکمان و شعاردادن و باندرول نویسی با درشت ترین حروف: "حماسه خس و خاشاک"، یا تنها با سازماندهی تظاهرات آرام و همراه با سکوت و پلاکارد: سکوت از رضایت نیست" و آتش افروزی برای جلوگیری از پیشروی نیروهای سرکوبگر و برای خنثی سازی پرتاب گاز اشک آور دشمن فراهم آورند. بلکه نیک دریافته اند که برای استمرار مبارزه باید سنگر بندی خود را با تشکیل کمیته های محلات در همبستگی با یکدیگر در برابر کودتا گران اشغالگر محلات و در محیط زیست و کار خود با جنبش وسیع تر مردمان ایران و سایر تحركات درون کشور با شعار نفی اعدام و آزادی همه زندانیان سیاسی، برابری خواهی و عدالت گزینی فراهم آورند. چنانچه همین سازمانگری کمیته های محلات با تلفیق دو سطح کار مخفی و علنی گره بخورد و چنانچه با همان نسبت با کمیته های ادارات و کارمندی و کمیته های کارگری همراه گردد، در عمل به تسخیر و پاک سازی همه محلات و ادارات از وجود عوامل بسیجی و اطلاعاتی و لباس شخص ها و قوای سرکوبگر منتهی خواهد شد.

من حرف اضافی و فراتر از آنچه که تو نوشتی ندارم و تنها می گویم: باید تجربه یک ماه دوندگی و رودررویی با قوای دشمن را در هرکوی و برزنی جمع بندی نمود و ضعف کار را بر شمرد. از همین سپر ابطال انتخابات و از هر شکافی در درون حکومت گران - که هر روز هم افزون تر می گردد- به وسیع ترین شکل، همچون روزهای اولیه اعتراض استفاده برد و از آن وحشت ننمود که سبزینه پوش تان قلمداد کنند. باید کمیته های محلات را از مطمئن ترین و با تشخص ترین چهره های هر محله با تلفیق ترکیب زنان و مردان - دختران و پسران جوان و تا حد زیادی از تلفیق روابط خانواده گی با تعدد گرایشات هر کدام آنان در سطوح ترکیبی همه اقشار و گروه بندی های اجتماعی بدور از چشم دشمن بخدمت گرفت. وظیفه اصلی آن فعلا سرشماری از هر محله و اینکه چه تعدادی از جوانان هر محل توسط عوامل دشمن ربوده شده اند و در کدام بازداشتگاه بسر می برند. باید این لیست را با نظر خود خانواده ها در اختیار مجامع حقوق بشری، مطبوعات و هنر و نوع ابتکار عملی که خود کمیته محل پیشنهاد می کند قرار داد و آنرا به وسیع ترین شکل به خارج فرستاد.

در اینجا یعنی در این سوی جهان و در پهنه گیتی، ما بدور از شهنه شیخ و همزمان مزدور ش، شکنجه گران و زندانبانانش، هیچ چیزی ما را تهدید نمی کند هیچ چیز. ما تا به امروز در سطحی گسترده در شهرها-کشورها و جای جای جهان نشان داده ایم که قصد نداریم به خانه های خود رویم. همه ما همچون شما ها در کاریم. جوانان نسل دومی ما خود سازمانگران بزرگترین تحركات خیابانی در

فرانکفورت – برلین – استکهلم و جاهای دیگرند . این اعتراضات ما پیرو جوان نمی شناسد . ما بدون اینکه تجربه تلخ تاریخی انقلاب بهمن ۵۷ " وحدت کلمه " ، " همه با هم " خمینی شید را فراموش کنیم با شناختی عمیق از هم، با باندرول ها ، پلاکادرها و شعارهای خویش و بدون درهم ریختن صف مبارزه طبقاتی " ما همه با هم هستیم " تا صف دشمنان مردمان ایران را به جهانیان بازشناسانیم . امروز عکس ندا و نام او تی شورت جوانان ماست و در خیابان های اروپا و کانادا – استرالیا و آمریکا با آن راه می روند. این جا خود غوغای ایست هرچند درهم آمیختگی خود را نیز دارد . این سطح درآمیختگی دربرابرابعاد جسارت آفرینی شما ها هیچ است . ایرانیان در همه جا تا به امروز به اشکال مختلفی دست به اعتراضات خیابانی و آکسیون های ایستاده – تحصن و اعتصاب غذا زده اند . هفته های گذشته یاران ما و شما در ترکیبی پُرشمارو به نمایندگی از فعالان مدافع حقوق کارگران ایران در پاریس جمع شدند و با سازماندهی تحصن و اعتصاب غذای خود در برابر احزاب و سازمان ها و نمایندگان اتحادیه های کارگری جامعه میزبان (فرانسه) در پشتیبانی از نبرد مقاومت شما و گشوده شدن درب زندان ها و آزادی فعالان کارگری منصور اساتلو و ابراهیم مددی از فعالان سندیکای مستقل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و آزادی بازداشت شده گان حوادث اخیر یاد کردند و آنرا در وسیع ترین سطح رسانه های اروپا بازتاب دادند. هم اکنون زندانیان سیاسی سابق جمهوری اسلامی و شاهدین اصلی دو کشتار سال ۶۷ و ۶۸ از سراسر جهان به برلین می آیند تا تحصن و اعتصاب غذا کنند و به این آدم کشی ها اعتراض نمایند. به رسانه های جهان بگویند در زندان های ایران چه می گذرد؟ هم اکنون صدای اعتراض اعصاب غذا در برابر ساختمان سازمان ملل در نیویورک به گوش می رسد. اضافه کنم ما تا به امروز به وزارت امور خارجه سوئد به عنوان مسئولین دوره ای اتحادیه اروپا برای محکومیت این سرکوبگری ها و فراخواندن سفیر سوئد از ایران رفتیم . جوانان پرشور ایرانی به همراه فعالان گروه بندی های مختلف اپوزیسیون ایرانی در استکهلم پایتخت سوئد در روز جمعه ۶ ژوئن اجتماع اعتراضی را در برابر سفارت جمهوری اسلامی سازمان دادند ، و قتی با وحشیگری و فحاشی عوامل حزب الهی و نیروی تروریستی نظام درون سفارت روبرو شدند با فریاد آزادی، دیواره سیم های خاردار، لاله تروریستی- جاسوسی رژیم را فرو فکندند و به درون آن راه یافتند و در نبردی نا برابر مزدوران را خلع سلاح کردند و اسلحه های کمتری یکی از آنان را در حضور خبرنگاران به پلیس امنیتی سوئد تحویل دادند . ما تا به امروز به پروکسل در برابر اتحادیه اروپا اعتراض کردیم . به درون اجلاس اتحادیه اروپا وارد شدیم و از شما ها و ایستادگی تان حرف زدیم . در خیابان های کلن – فرانکفورت – بوخوم – استکهلم – گوتنبرگ – مالمو – امنو – هلند – نروژ – دانمارک – لس آنجلس – واشتگتن – نیویورک – هامبورگ – استرالیا و تورنتو – ونکور – مونترال – برلین – پاریس- همه و همه جا نه یک بار و دو بار و نه در سطح یک گروه و حزب و سازمان، بلکه در ابعاد پرشمار نیروی انسانی معترض از پیرو جوان ، دختر و پسر، تبعیدی و مهاجر، بازو به بازو به خیابان آمدیم و از لحظه به لحظه مبارزات شما یاد کردیم و این ادامه داشته و دارد . ما آن می کنیم که شما می خواهید . درب همه روزنامه ها و مجامع حقوق بشری و اتحادیه های کارگری ، احزاب و سازمان ها را به صدا در می آوریم تا پشت جبهه قوی و قدرتمند مبارزاتی شما باشیم .

به همدیگر باور کنیم . این شما هستید که پیشتر این مبارزه اید. رهبری آن از آن شما است . ما شعار شما ها را سر می دهیم : آزاد باد همه زندانیان سیاسی و همه دستگیر شده گان حوادث اخیر در سراسر ایران . زنده باد مقاومت مدنی و مردمی شما در هر کوی و برزی در برابر رژیم کودتا .

در این سوی جهان اپوزیسیون آزادیخواه و تحول طلب، در اقدامی متحد و سراسری و در ابعاد چندین و چند هزار نفری در محکومیت سرکوب و گلوله بستن اعتراضات خیابانی درون کشور قدم های مستکمی برداشته و آزادی بی قید و شرط زندانیان دستگیر شده حوادث اخیر و همه زندانیان سیاسی را در برابر خود داریم . آری

ما نیز با شما هستیم و همچون شما ها

، ما نیز سرباز ایستادن نداریم !

